

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۱۸ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب ششم

شکر و سپاس پروردگار کریم را سزااست که برای انسان زمین را مقدر فرمود تا برای کسب حیات جاودانه در قرب الهی، در الیه راجعون تا ابد در وعده‌های پروردگار رحیم سعادتمند و زنده بماند و کسانی که عمر زمینی خود را به لهو و لعب و بازیچه بگذرانند حیاتی نه در دنیا و نه در آخرت برایشان نبوده و تا ابد در عذابِ عمر از دست رفته بمانند.

زندگان کسانی هستند که با هدایت پیامبران و یاری امامان، قلبشان به نور ایمان روشن شود و مردگان آنهایی هستند که قلبشان به وسیله‌ی شیطان و نفس اماره سخت شده حتی سخت‌تر از سنگ که خداوند رحمان در قرآن کریم چنین توصیف فرموده: پس از آن دلهای شما چون سنگ سخت گردید حتی سخت‌تر از سنگ که از سنگ، گاه جوی‌ها روان شود و چون شکافته شود آب از آن بیرون آید و گاه از ترس خدا از فراز به نشیب فرو غلتد و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست.

در زمانه‌ی حاضر طبق پیش بینی اولیا مخصوصاً امیر مؤمنان (ع) متأسفانه روز به روز قلب‌ها سخت‌تر، ایمان‌ها کم‌رنگ‌تر و وجودها فاسدتر می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شده و اندیشه و عقل جایگاه خود را به نفس اماره سپرده در نتیجه انسان گرفتار جنایت و ظلم است و راه نجاتی برای خود نمی‌یابد زیرا طبق فرموده‌ی امیر مؤمنان (ع) عقل و اندیشه را کنار گذاشته که در خطبه‌ی ۱۴ نهج‌البلاغه چنین فرموده‌اند: عقل‌ها و درک‌های شما سبک است و در آنچه طرح می‌کنید و برای آن نقشه می‌کشید به بی‌عقل‌ها و نادان‌ها نزدیک‌تر است پس عجب نیست که شما آماج تیراندازان می‌شوید و آنهایی که طمع خوردن دارند شما را می‌خورند و وجود شما طعمه‌ی شکارچیان می‌شود. پس ما که مدعی هستیم از شیعیان و پیروان ایشان هستیم باید که راه چاره را از خطبه‌های گهربار ایشان جستجو

کنیم همان‌گونه‌ای که ایشان فرمودند: که به دوستان بگویید که نام مولایمان مهر بندگی پروردگار کریم است پس باید سعی کنیم که این مهر بر پیشانی عابدان نقش ببندد و در این راه دست‌تَمنا را به فرزند گران‌قدر و گوهربارشان امام عصر و زمان (عج) دراز کنیم و عاجزانه بگوییم: مولای ما، یاری‌مان کنید تا با عمل و اندیشه در سفارشات شما مورد تأیید و رضایت الهی و خشنودی شما امام عصرمان قرار بگیریم و جزء نجات‌یافتگان دنیا و آخرت باشیم چون تأیید شما راه نجات است که امیر مؤمنان (ع) در این مورد چنین فرمودند: تمام امت‌ها طعم بهشت و یا آتش خشم پروردگارا را نخواهند چشید و وارد بهشت و یا دوزخ نخواهند شد مگر به اذن آخرین وصی رسول خدا حضرت حجت (عج).

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولایمان امام عصر و زمان خطبه‌ی امشب را می‌خوانیم:

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی شب ششم

انا فتحنا لك فتحاً مبيناً؛

سلام بر خضر نبی؛ پیامبری صدیق در توحیدی مستحکم؛ معلمی صبور در اثبات حق و شاهی که معمای عمر شریفش نشانه‌ای از رحمت گسترده‌ی پروردگار است؛ پیامبران بر سفره‌ی احسانش مهمان هستند و زبان مطهرش بازکننده‌ی اسرار الهی، اینک در این شب از شب‌های دولت ظهور، مهمان این نفس زکیه می‌شویم تا حکایتی را از دیدارش با امیر مؤمنان (ع) برایمان فاش کند.

می‌فرمایند: روزی به دیدار مولا رفتم درحالی‌که به سختی مشغول کردن چاه بود عرضه داشتم: ای اسدالله، چگونه با این اشتیاق دل‌خاک را می‌شکافید درحالی‌که انوار مطهرتان آسمان‌های هفت‌گانه را زینت می‌بخشند؟ و امام فرمود: همان‌گونه که پروردگارم فرمود من روزیِ بندگان خویش را در دل خاک مخفی نموده‌ام و من قلب خاک را می‌شکافم تا حیات را از آن خارج کنم. به طرف دستان مبارکشان رفتم و عرضه

داشتم: ای امیر مؤمنان، ای کاش آن زمان که قلب مرده‌ی خلیفگان الهی را می‌شکافتی امیدی به یافتن حیات در جانشان نمایان می‌شد. وجود با برکتشان به سوی من آمدند و فرمودند: ای خضر، سخت‌ترین زمان برایت چه زمانی بوده و من گفتم: آن زمان که در کنار اباعبدالله (ع) نشسته بودم و او گفت: عمو جان، می‌شود من هم مانند حضرت موسی (ع) همراه شما سفر کنم و من عرضه داشتم: جانم به فدایت ای سبط پیامبر چگونه این درخواست را می‌کنید درحالی‌که من محتاج همراهی شمایم و ایشان فرمودند: آیا در سفری که جدم برایم فاش فرموده با من خواهید بود و من با حلقه‌ی اشکی آن را تأیید کردم و آن زمان رسید و من شاهده‌ی بودم بر تلخ‌ترین مصیبت از جهل امت پیامبر. امیر مؤمنان تبسمی می‌کنند و می‌فرمایند: ای خضر، سفر شما به حوادث آیندگان عزم شما را در رسالتان محکم‌تر می‌کند؛ آنچه را که در پرده‌ی زمان مشاهده کردید هم اکنون نیز قابل رؤیت است؛ عزم امتی که جز دنیا را نمی‌شناسد و آخرت را افسانه‌ای فرض می‌کند که در پرده‌ی مرگ پنهان است پس چگونه بر آینده‌ای صبور خواهی بود که دیگر دین و فرمان خداوند کریم از جان مردمان خارج خواهد شد، آنان سرمست دستاویزهای شیطان به عرصه‌ی زمان خواهند آمد؛ دیگر تیغ کشیده‌ای خونشان را نخواهد ریخت و میدان جنگی به وجود نخواهد آمد؛ آنان سرمستانه به دور گوساله‌ی جانشان خواهند چرخید تا زمان هلاکتشان فرا رسد و یکدیگر را با تیغ‌های از میان برکشیده به هلاکت برسانند و عملشان را حق تصور کنند درحالی‌که حق، تماشاگر وجود ذلیلشان است تا دولتش شکوفا گردد و باطل افسانه‌ای شود در پس پرده و ما آیندگانی هستیم که حق و باطل را در آینه‌ی زمان دیده‌ایم آیا عبرت‌مان از کدام فرمان در جانمان ریشه دوانده و ریشه‌اش چگونه شاخ و برگ و گل را در جانش به نمایش گذاشته که توانسته به دنبال نهضتی حرکت کند که نامش نهضت عاشورا است؟ شور حق بر علیه باطل؛ شوری ماندگار در صفحه‌ی زمان تا قیامت، پس با همان شور عاشورایی فریاد می‌زنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**